




The Course of the Views of Shia Jurists and Commentators of Wife Beating in Time of Disobeying: A Case Study of Verse 34 of al- Nisa

(Received: 2025-03-09 Acceptance: 2025-10-20)

Bagher Saffari ¹ , Seyed Mohammad Hashim Pourmola ² ,
Mohammad Mahdi Ajilian Mafough ³ 

Abstract

Wife beating has been presented in verse 34 of Surah Al- Nisā ‘of the Quran. Jurists and Commentators historically presented Comments of wife beating that has been questioned especially in the contemporary period. In this study, the authors aim to present these Comments while answering the following questions: What changes have occurred in comments? And what conditions and factors in the historical periods of jurisprudence and interpretation have influenced these changes?

Using analytical, descriptive and comparative methods in this research and the study and comparison of comments and then the analysis of the conditions and factors affecting them indicate that Comments of wife beating have been changed by three movements and influenced throughout history by conditions such as Jurisprudential and interpretive methods, Kind of look at the woman, historical events of jurisprudence and interpretation periods, Islamic revolution and the feminist struggle. With the addition of restrictions they have undergone changes and also new Comments and virtual meanings of wife beating have emerged in recent periods.

Keywords: Verse 34 of Surah Al- Nisā, Movements, Course, Wife Beating, Disobeying

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Theology, Faculty of Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran. B.Saffari@Stu.yu.ac.ir

2. Associate Professor of the Department of Fiqh and Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding author) pourmola@shirazu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Jurisprudence, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran. majilian@shirazu.ac.ir



جریان‌شناسی آراء فقها و مفسران شیعه در خصوص ضرب زوجه در مقام نشوز: مطالعه موردی آیه ۳۴ سوره نساء

(تاریخ دریافت: ۱۹-۱۲-۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۸-۰۷-۱۴۰۴)

- باقر صفاری^۱
- سید محمد هاشم پورمولا^۲
- محمد مهدی آجیلیان مافوق^۳

چکیده

ضرب زوجه ناشزه در آیه ۳۴ سوره نساء مطرح شده است. فقها و مفسران در طول تاریخ با استناد به این آیه نظراتی درباره ضرب زوجه ارائه کرده‌اند که این نظرات خصوصاً در دوره معاصر مورد شبهه و سؤال قرار گرفته‌اند. در این پژوهش نگارندگان درصدد هستند تا ضمن ارائه این نظرات به این سوالات پاسخ دهند که نظرات چه تغییری یافته‌اند؟ و چه شرایط و عواملی در دوره‌های تاریخی فقه و تفسیر بر این تغییرات اثر داشته‌اند؟ استفاده از روش تحلیلی، توصیفی و مقایسه‌ای در این پژوهش و مطالعه و مقایسه نظرات و سپس تحلیل شرایط و عوامل مؤثر بر آن‌ها حاکی از آن است که نظرات ضرب، در طول تاریخ در سه جریان تغییر یافته‌اند و تحت تأثیر شرایطی مثل؛ روش‌های فقهی و تفسیری، نوع نگاه به زن، حوادث تاریخی دوره‌های فقه و تفسیر، انقلاب اسلامی و جنبش فمینیسم با افزوده شدن دچار تغییرات شده‌اند و نیز در دوره‌های اخیر نظرات و معانی مجازی جدیدی از ضرب پدید آمده است. **کلمات کلیدی:** آیه ۳۴ سوره نساء، جریان، جریان‌شناسی، ضرب زوجه، نشوز

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. B.Saffari@Stu.yu.ac.ir
۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. پورمولا@shirazu.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. majilian@shirazu.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از آیات الاحکام با اهمیت مربوط به مسائل خانواده و زنان، آیه مبارکه ۳۴ سوره نساء، درباره نشوز است که در قسمتی از آن آمده است: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ»؛ در این آیه ضرب زوجه به عنوان یک ابزار جهت رفع نشوز مطرح گردیده است.

ضرب زوجه از موارد سؤال خیز در تمام دوره‌های تاریخی خصوصاً دوره معاصر بوده است. این پژوهش با مطالعه دقیق و ریز بینانه به کسب اطلاعات دقیقی درباره ضرب زوجه کمک می‌کند تا درک بهتری از آیه داشته باشیم و امکان پاسخ جامع‌تر به سوالات و شبهات مرتبط با آیه برایمان فراهم آید.

برای مثال در میان فقها حکم فقهی تنبیه بدنی زوجه از این آیه استنباط شده است و ترتیبات و نحوه ضرب زوجه را ذکر کرده‌اند. مفسران نیز در تفسیر این آیه در ادوار مختلف تاریخی ترتیبات و تفاسیری را برای ضرب زوجه بیان کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که این اقوال و تفاسیر به شکل‌های گوناگون و همراه با تغییرات شرایط اجتماعی، سیاسی یافت می‌شود؛ از ضرب غیرمبرح (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱/ ص ۱۳۷) و ضرب با مسواک (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹۱) در کتب دوران متقدم و سپس در دوران متاخر، محدود کردن به ضربی که موجب دیه و ضمان نباشد (حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۳/ ص ۵۹۶) و ضرب در هنگام اصرار بر نشوز (عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱/ ص ۳۵۹) تا شکل‌گیری نظرات جدید در دوران معاصر مانند ضرب درمانی برای مازوشیسم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۳/ ص ۳۷۲)، ضرب برای تربیت (جعفری، ۱۳۷۶ش: ج ۲/ ص ۴۳۲)، دانستن ضرب از مقوله نسخ تدریجی (معرفت، ۱۴۲۳ق: ص ۱۵۰) و معانی مجازی بی‌اعتنایی (موسوی لاری، ۱۳۹۱ش: ص ۵۰) و تغییر روش و برخورد با زن (نکونام، ۱۳۹۱ش: ص ۶۷۰).

در دوره‌های تاریخی شاهد هستیم که تفاوت آراء در خصوص ضرب زوجه ناشزه موجب شکل‌گیری بحث‌هایی در مورد؛ مفهوم و معنای ضرب، ترتیبات و نحوه ضرب شده است. هدف این پژوهش مطالعه آراء فقها و مفسرین و دسته‌بندی آن‌ها در یک بستر تاریخی به منظور شناسایی و معرفی تغییرات آراء و سپس شناسایی عوامل و جریان‌های مؤثر بر تغییرات آراء فقها و مفسرین در خصوص ضرب زوجه ناشزه است.

دو سوال مهم مطرح است:

یک. آراء فقها و مفسران شیعه در خصوص ضرب زوجه در مقام نشوز، چگونه بوده و چه تغییر یا تغییراتی یافته‌اند؟

دو. چه عوامل و جریان‌هایی در بسترهای تاریخی این تغییرات مؤثر بوده‌اند؟ پژوهش حاضر پس از توضیح مختصری درباره جریان‌شناسی، با روش توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای نخست آراء در خصوص ضرب زوجه در ادوار مختلف تاریخی را معرفی و مقایسه می‌کند، سپس عوامل و جریان‌های مؤثر بر تغییر آراء فقها و مفسران را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

۲. پیشینه تحقیق

پس از جستجو درباره موضوع تحقیق، پژوهش‌هایی که ارتباط با موضوع تحقیق داشتند را استخراج نمودیم که در مواردی به دنبال پاسخ‌گویی به شبهه تنبیه بدنی زوجه بوده‌اند برای نمونه؛ در مقاله «نشوز زوجه در فقه و حقوق با رویکردی بر آرای امام خمینی (س)» نویسندگان سعی در تأملی در مسئله و آیه نشوز، مسائل و تأویل‌های پیش آمده درباره آیه دارند و می‌خواهند ساحت اسلام را از تأویل‌های ناروا در این مورد مبرا کنند (موسوی بجنوردی و حسینی، ۱۳۹۵ش). نیز در مقاله «نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن» نویسندگان خشونت علیه زنان در قرآن را تبیین می‌کنند و تنها موردی که در نگاه نخست می‌تواند خشونت علیه زنان قلمداد گردد را مسئله ضرب می‌دانند و با تأمل دقیق‌تر در شرایط و جوانب تجویز ضرب زن ناشزه در آیه مذکور، مشخص می‌کنند که این تجویز از باب خشونت جنسی علیه زنان نیست، بلکه از باب مجازات قانونی است (بستان و دهقان نژاد، ۱۳۹۶ش: ص ۷۷). در مواردی نیز تحقیقات به دنبال ذکر و یا نقد و بررسی اقوال فقها و مفسرین بوده‌اند برای نمونه؛ نویسندگان در مقاله «تنبیه زوجه از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران» نظرات فقها در مورد ضرب را در دو دسته؛ متقدمان که ضرب را به معنای ظاهری آن یعنی تنبیه بدنی با شرایطی مانند غیر مبرح و متأخرین که ضرب زن را به معنای ظاهری آن ندانسته‌اند بلکه از آن تأویلاتی مانند ضرب به معنای قهر، نسخ تدریجی آیه و... ارائه کرده‌اند (موسوی رکنی و دهقان منشادی، ۱۳۸۷ش: صص ۱۹۹ و ۲۰۰). مقاله «بررسی تطبیقی قوامیت و تنبیه زنان در تفاسیر فریقین» با ورود به منابع تفسیری و تبیین یافته‌ها نتیجه‌گیری شده است که ضرب دارای شرایطی است و به دلیل صدور دستور ضرب از ناحیه خداوند نباید به تأویلات ناصواب و ناسازگار با کلام الهی به منظور خوشایند منتقدان یا مغرضان دست زد (علی جانی، ۱۳۸۹ش: ص ۱۴۰). در مقاله «بررسی رویکرد مفسران در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء» نویسندگان نظرهای مفسران درباره آیه ۳۴ سوره نساء را نقد و بررسی می‌کنند. در مورد ضرب تحلیل‌های موجود را ناشی از نگاه فقهی به آیه می‌دانند



و خود بر این باورند که هدف درمان نشوز است (غروی نایینی و مصطفوی فرد، ۱۳۹۳ ش: ص ۷۷). در مقاله «بازی‌زوهی ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء» نویسندگان بیان می‌کنند که نظریه مشهور ضرب؛ یعنی کتک زدن و با چوب مسواک به دلایلی همچون بسیاری از عموماًت فقهی و اخلاقی، توصیه‌های قرآن نسبت به رفتار معروف با همسران و لحاظ موارد استعمال ماده ضرب در دیگر آیات قرآن، سنت پیامبر و کاربرد آن در زبان عرب به خصوص بدون حرف اضافه؛ قابل خدشه است (شاهرودی، بشارتی، ۱۳۹۹ ش: ص ۱۲۶). برخی از پژوهشگران نیز به اختلافی بودن معنای ضرب بین فقها و مفسرین توجه داشته‌اند برای نمونه؛ در مقاله «بررسی فقهی تنبیه بدنی زوجه» نویسندگان معتقدند که ضرب دارای معنای حقیقی و مجازی است. ایشان به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که کلمه ضرب را به همان معنای ظاهری آن که بر برخورد فیزیکی دلالت دارد، در نظر بگیریم که باعث به وجود آمدن شبهات خواهد شد یا اینکه می‌توان از آن معنای مجازی دیگری مانند «اعراض» استفاده کرد و شبهات را رفع نمود. به این منظور با روش اجتهادی، استفاده از ادله احکام، کتب لغت و اقوال و ادله فقها اثبات می‌کنند که ضرب زوجه به همان معنای حقیقی آن یعنی «تنبیه بدنی» است و با استفاده از مواردی مثل؛ اقرار روانشناسان به کارآمدی تنبیه بدنی در برخی از موارد، عدم وجوب ضرب و استحباب عفو و گذشت از جانب شوهر و استفاده از سایر ابزارهای عقلایی جهت رفع نشوز، تأکید می‌کنند که شارع مقدس در تجویز ضرب به معنای حقیقی آن احاطه کامل داشته و نیاز به برداشت‌های خلاف مشهور و معانی مجازی نیست (پور مولا و جلالی، ۱۳۹۴ ش: ص ۴۵). پس از این بررسی پژوهشی که در پی معرفی تغییرات نظرات در خصوص ضرب زوجه ناشزه باشد و تبیین کند نظرات در ادوار مختلف تاریخی چه تغییری یافته‌اند و چه عوامل و جریان‌هایی در این تغییر مؤثر بوده‌اند را نیافتیم.

۳. مفهوم شناسی

۳-۱. جریان شناسی

در تعریف جریان آمده است: «جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه‌های اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است» (خسروپناه، ۱۳۸۹ ش: ص ۲۰). نیز روند شکل‌گیری یک ایده و نظر و سیر تطور تاریخی آن با در نظر گرفتن فرازها و فرودها و آثار آن در عرصه‌ی اجتماع را در تعریف جریان آورده‌اند (شعبانی سارویی، ۱۳۸۹ ش: ص ۱۷).

بر این اساس به زبان ساده به بررسی جریان‌ها، جریان‌شناسی گفته می‌شود. به عبارت دیگر به شناخت منظومه‌ی فکری و گفتمان یک جریان، چگونگی شکل‌گیری آن، معرفی مؤسسان و چهره‌های علمی و تأثیرگذار در آن، جریان‌شناسی می‌گویند (خسروپناه، ۱۳۸۹ش: ص ۲۱).

فایده‌ی جریان‌شناسی این است که شناخت عمیق بسترهای تاریخی هر جریان فکری فرهنگی، لازمه ضروری فهم متن‌هایی است که با گذر از پیچ‌وخم‌های تاریک روزگاران گذشته به دست ما رسیده‌اند و در فضایی متفاوت قرائت می‌شوند (یزدان پناه، ۱۳۸۸ش: ص ۲۵).

در این باره باید گفت: فرهنگ، اصطلاحات و گویش‌ها در اثر گذشت زمان، دچار تغییر و تحول می‌شوند؛ از این رو شناخت تاریخ صدور هر متنی در فهم اصطلاحات آن متن می‌تواند به ما کمک کند؛ علاوه بر این که شرایط سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی حاکم بر زمان صدور متن نیز ممکن است نویسنده را تحت الشعاع قرار دهد و ناگزیر کند که در تعبیرات، مراعات جو و فضای حاکم را بنماید؛ بنابراین هر کسی آگاهی بیشتری نسبت به شرایط فرهنگی اجتماعی و تاریخی داشته باشد، می‌تواند فهم دقیق‌تری از متون علمی پیدا کند.

۴. بحث و تحلیل

۴-۱. معرفی جریان‌ها در خصوص ضرب زوجه و مقایسه آن‌ها

با تتبع در اقوال و نظرات فقها و مفسران شیعه، می‌توان ضرب زوجه در کلام آنان را از صدر اسلام تاکنون در یک سیر تاریخی با در نظر گرفتن اقوالی که به طور نسبی دارای وجوه اشتراک هستند به عنوان جریان مطرح کرد و تفاسیر متفاوتی که از ضرب به دست آمده را در سه دسته تقسیم‌بندی نمود.

۴-۱-۱. جریان نص‌گرایی از صدر اسلام تا قرن ششم

در این جریان فقها و مفسران بر این باورند که ضرب به معنای زدن است اما بر اساس احادیث باید با وسایلی مانند مسواک و نیز غیر مبرح باشد. نظرات این جریان پایه سایر جریان‌ها هستند و تا اکنون نیز در کلام فقها و مفسرین ذکر می‌شوند. عمده نظرات در این دوره عبارت‌اند از:

الف) ضرب با مسواک: در کتاب‌های من لایحضره الفقیه و التبیان ضرب با چوب مسواک است (قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۵/ ص ۲۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹۱).

ب) ضرب غیر مبرح: منشأ این نظر روایتی از پیامبر (ص) در خطبه «حجّه الوداع» است. ایشان در صورت عدم رعایت حقوق مرد توسط زن زدن با قید غیر



مبرح را بیان فرموده‌اند (حَزَّانِي، ۱۳۸۰ش: ص ۳۶). نویسنده تفسیر مقاتل بن سلیمان و تفسیر القمی و کتاب مجمع البیان زدن زن را زدنی غیر مبرح می‌دانند (مقاتل، ۱۴۲۳ق: ج ۱/ ص ۳۷۱؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱/ ص ۱۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۳/ ص ۶۹).

در همین دوره در قرون پنجم و ششم به توضیح بیشتر ضرب می‌پردازند. نویسنده التبیان زدن زن را با قید غیر مبرح یعنی غیر شدید همراه کرده که به گفته ایشان در این معنا اختلافی نیست (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳/ ص ۱۹۱). نویسنده المهدب کیفیت ضرب را این‌گونه توضیح داده است: «و زدن زن، زدن از جنس تأدیب است؛ همان طور که کودکان به خاطر گناه زده می‌شوند و نباید زن را طوری بزند که آزرده شود و یا زمین‌گیر شود و یا خون‌آلود گردد و زدن باید بر تمام نقاط بدن زن پراکنده شود و از زدن بر صورتش خودداری کند و هنگامی که می‌خواهد زن را این چنین بزند باید با چوب مسواک باشد.» (طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۲/ ص ۲۶۴).

۴-۱-۲. جریان تبیین‌گرایی از قرن ششم به بعد تا اواخر قرن دهم و دوره

متأخرین

این جریان مرحله انتقال تدریجی معنا و گذر تدریجی از معنای لفظ (ضرب) به معنای ورای لفظ است؛ به‌گونه‌ای که معنای ضرب در این دوره اندک تفاوت‌هایی با دوره قبل دارد و نظرات شاذ مثل؛ ضرب در صورت تکرار نشوز (طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۲/ ص ۲۶۴). با نظراتی مثل نظر علامه حلی «آن‌ها را بزنید اگر بر نشوز اصرار کردند» (حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۳/ ص ۵۹۶) برجسته می‌شوند. ضمن اینکه نظرات دوره قبل نیز ادامه دارد و به‌نوعی این دوره تکمیل دوره قبل است. عمده نظرات در این دوره عبارت‌اند از:

الف) ضمان و دیه داشتن ضرب زوجه: در این دوره به داشتن ضمان برای ضرب توسط برخی فقها تاکید شده است (حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۳/ ص ۵۹۶؛ حلی، ۱۳۸۷ش: ج ۳/ ص ۲۵۶). شیخ بهایی نیز در اواخر همین دوره یکی از اسباب ضمان را ضرب زن و مجروح شدنش در هنگام نشوز می‌داند (عاملی و ساوجی، بی‌تا: ص ۲۳۹). ب) تاکید بر آسیب نرساندن به زوجه: برخی مجروح نشدن را شرط ضرب می‌دانند (سیوری حلی، ۱۳۷۳ش: ج ۲/ ص ۲۱۲؛ جرجانی، ۱۳۶۲ش: ج ۲/ ص ۳۴۳). عده‌ای دیگر نیز شرط ضرب را عدم خونریزی می‌دانند (حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۳/ ص ۵۹۶؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۵/ صص ۴۲۸ و ۴۲۹). خراشیده نشدن پوست و شکسته نشدن استخوان نیز شرط ضرب در تفسیر الثمرات الیابعه است (تلابی، ۱۴۲۳ق: ج ۲/ ص ۳۶۲).



دوره چهارم
شماره دوم
پیاپی: ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۴

ج) ضرب در صورت اصرار بر نشوز: گروهی ضرب را در هنگام اصرار بر نشوز را جایز می‌دانند (شیبانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۲/ص ۱۵۰؛ حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۳/ص ۵۹۶؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸/ص ۳۵۹). نیز نویسندگان عرفان و زبده البیان استمرار نشوز را شرطی برای ضرب دانسته‌اند (سیوری حلی، ۱۳۷۳ش: ج ۲/ص ۲۱۲؛ اردبیلی، ۱۳۷۸ش: ص ۳۵۷).

۴-۱-۳. جریان تأویل‌گرایی از قرن یازدهم تا اکنون

در این دوره نظرات دوره‌های قبل به شکل کامل‌تری یافت می‌شود و با برداشت‌های جدید کلمه ضرب موشکافی بیشتری می‌شود. در این دوره می‌توان گفت گذر از لفظ (ضرب) به فراتر از لفظ اتفاق می‌افتد و تأویل‌های گوناگونی ارائه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که قیودی به ضرب وارد می‌شود و هم‌چنین علاوه بر معنای حقیقی در معنای مجازی نیز استعمال می‌شود.

عمده نظرات در این دوره عبارت‌اند از:

الف) ضرب با هدف تأدیب: برخی از نویسندگان هر سه راهکار ذکرشده در آیه را برای تأدیب می‌دانند (وجدانی فخر، ۱۴۲۶ق: ج ۱۲/ص ۲۴۴؛ شهابی، ۱۴۱۷ق: ج ۲/ص ۱۷۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ج ۸/ص ۱۶۱). نویسنده‌ای ضرب زوجه را مانند ضرب تأدیبی معلم برای دانش‌آموز می‌داند (شیرازی، ۱۴۲۸ق: ص ۴۸۹). در تفسیر کاشف هدف از کتک زدن تأدیب است (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۲/ص ۳۱۷). در تفسیر الفرقان نیز تأدیبی بودن ضرب ذکر شده است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸ش: ج ۱/ص ۱۷۵).

ب) تأکید به عدم انتقام در ضرب توسط مرد: صاحب جواهر و امام خمینی (ره) و نویسندگان کتاب کلمة التقوی مراعات اصلاح و عدم انتقام در ضرب را لازم می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۱/ص ۲۰۶؛ خمینی، ۱۳۸۵ش: ج ۲/ص ۳۲۵؛ بصری بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۷/ص ۱۳۵) در کتاب هدایة العباد زدن زن به قصد اصلاح است، نه خشنودی از خشم و انتقام (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ج ۲/ص ۳۶۷). برخی دیگر از نویسندگان نیز این جمله را تکرار می‌کنند (لنکرانی، ۱۴۲۱ق: ص ۴۸۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق: ج ۳/ص ۱۰۷). نویسنده تفسیر نور نیز می‌گوید: «برخورد خشن و تنبیه، تنها برای انجام وظیفه است، نه انتقام و کینه و بهانه» (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ج ۲/ص ۶۳). برخی نویسندگان نیز به قصد از ضرب اصلاح باشد نه انتقام تأکید می‌کنند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۲/ص ۳۰۲؛ گلپایگانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲/ص ۴۶۳).

در دوره معاصر نظراتی از ضرب جالب توجه است؛ نویسنده‌ای ضرب زوجه را برای



زوج مباح می‌داند و بیان می‌کند هیچ وجوب و استحبابی برای ضرب وجود ندارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ش: ج ۱/ص ۵۷۷)، اولی بودن ترک ضرب (مغنیه، ۱۴۲۵ق: ص ۱۰۶)، ضرب به مقدار بازداشتن از نشوز (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸ش: ج ۱/ص ۱۷۵)، ضرب درمانی برای مازوشیسم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۳/ص ۳۷۲) و (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش: ج ۲/ص ۳۵۶)، ضرب برای تربیت (جعفری، ۱۳۷۶ش: ج ۲/ص ۴۳۲)، جایگزین کردن رجوع به حاکم به جای ضرب در صورت عدم احتمال تأثیر ضرب (سیستانی، ۱۴۱۷ق: ج ۳/ص ۱۰۷) و تا حدی که یکی از مفسران، ضرب زوجه در قرآن را از مقوله نسخ تدریجی می‌داند و این قسمت از آیه شریفه را منسوخ اعلام می‌کند (معرفت، ۱۴۲۳ق: ص ۱۵۰). هم‌چنین استعمال معانی مجازی برای ضرب؛ مانند دیدگاهی که با استفاده از مفردات قرآن و آیه مبارکه ۱۰۱ سوره نساء معنای ضرب را سفر کردن و دوری از خانه می‌داند (حیدری، ۱۳۹۸ش)؛ مفسر دیگر معنای ضرب را بی‌اعتنایی می‌داند (موسوی لاری، ۱۳۹۱ش: ص ۵۰) و نیز یکی از مفسران ضرب را به معنای تغییر روش و برخورد با زن قلمداد می‌کند (نکونام، ۱۳۹۱ش: ص ۶۷۰).

لازم به ذکر است به این نظرات در قسمت تحلیل جریان‌ها نیز اشاره می‌شود اما به جهت جلوگیری از تکرار از آوردن توضیح آن‌ها خودداری می‌گردد.

۴-۱-۴. مقایسه جریان‌ها با یکدیگر

یکی از اهداف این پژوهش تبیین چگونگی تغییر نظرات در مورد ضرب در ادوار تاریخی است یعنی؛ باید مشخص شود که در هر دوره نظرات با دوره قبل چه تفاوتی داشته و از چه زوایایی گسترش یافته است. مقایسه جریان‌ها با یکدیگر و بیان اشتراکات و تفاوت‌های آن‌ها به این هدف کمک می‌کند. در واقع با مقایسه کردن جهت ارتباط و افتراق چند امر با یکدیگر روشن می‌شود. از جمله شباهت‌ها نظراتی است که در دوران متقدم نظر متفق محسوب می‌شده است، در دوران متأخر تکرار شده‌اند و از این بابت نظرات دارای وجه شباهت هستند. مانند؛ زدن با چوب مسواک که در همه ادوار تاریخی بیان شده است؛ این نظر پایه حدیثی دارد و در برخی از منابع امام باقر (ع) (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳/ص ۱۹۱) و در برخی دیگر نیز از امام رضا (ع) نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱۰/ص ۵۸). همچنین نظر ضرب غیر مبرح که ابتدا در خطبه حجه‌الوداع و از زبان پیامبر (ص) وارده شده (خزّانی، ۱۳۸۰ش: ص ۳۶) و در ادوار مختلف تاریخی بیشتر فقها و مفسرین آن را ذکر کرده‌اند.

از مواردی که برای روشن شدن تفاوت‌های جریان‌ها باید مطرح کرد؛ نظرات

نادری هستند که در یک دوره کمتر به آن پرداخته شده و در دوره دیگری قول مورد اتفاق شده‌اند؛ از جمله ضرب در هنگام اصرار بر نشوز یکی از نظرات است که در دوره متقدم برخی از علماء به آن پرداخته‌اند (طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۲ ص ۲۶۴؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق: ص ۳۳۲)؛ اما در دوره بعد و در جریان مرحله انتقال تدریجی معنا به یک نظر برجسته تبدیل می‌شود به گونه‌ای که قول مورد اتفاق محسوب می‌شود.

از جمله تفاوت‌ها، نظراتی است که از یک تاریخ به بعد مورد توجه علماء قرار می‌گیرند و تا قبل از آن بیان نشده‌اند. برای نمونه؛ واجب شدن غرامت و ضمان در صورت پدید آمدن تلفی از ضرب است که اولین بار علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۳ ص ۵۹۶) به آن اشاره می‌کند. از دیگر نظرات تأکید بر اینکه قصد از ضرب نباید انتقام باشد؛ می‌باشد که اولین بار شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸ ص ۳۵۹) به آن اشاره می‌کند.

همچنین از جمله تفاوت‌هایی که بین جریان سوم با دیگر جریان‌ها وجود دارد بیان نظرات تازه و جدیدی در دوره معاصر مثل؛ ضرب درمانی برای مازوشیسم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۳ ص ۳۷۲) و (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش: ج ۱۲ ص ۳۵۶)، ضرب برای تربیت (جعفری، ۱۳۷۶ش: ج ۱۲ ص ۴۳۲)، نسخ تدریجی آیه (معرفت، ۱۴۲۳ق: ص ۱۵۰)، به معنای سفر کردن و دوری از خانه (حیدری، ۱۳۹۸ش)، به معنای اعراض و بی‌اعتنایی (موسوی لاری، ۱۳۹۱ش: ص ۵۰)، تغییر روش و برخورد با زن (نکونام، ۱۳۹۱ش: ص ۶۷۰) است که این نظرات کاملاً جدید هستند و قبل از دوره معاصر هیچ سابقه‌ای در نوشته‌های پیش از خود ندارند.

گفتنی است، ضرب در طول تاریخ توسط فقها و مفسرین دارای قیودی شده که ابعاد کلمه ضرب توسط این قیود روشن‌تر شده است؛ به عبارت دیگر ضرب تغییری نکرده است و فقط ابعاد آن توسط قیودی مطرح شده است؛ یعنی ضرب معنای شامل دارد و از ضرب خیلی شدید تا ضرب غیر شدید را شامل می‌شود و فقها با آوردن این قیود شمول واژه ضرب را محدود کرده‌اند. در واقع باید گفت نظرات غیر مبرح، با مساواک، در صورت اصرار بر نشوز، برای اصلاح و نه انتقام و... قیود ضرب هستند. در دوره معاصر نیز که ضرب توسط برخی از فقها و مفسرین به معنای غیرحقیقی آن مثل اعراض، دوری، تغییر روش و... معنی شده است؛ این تغییر معنای ضرب نیست بلکه فقط استعمال لفظ در معنای مجازی است.

۵. جریان‌شناسی ضرب زوجه در مقام نشوز

۵-۱. تأثیر روش‌های فقهی و تفسیری بر جریان‌ها

قول معصومین (ع) برای فقها و مفسرین حجت است؛ بنابراین در دوره‌های اولیه تفاسیر به صورت روایی بوده و روایات تفسیری به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع دینی به طور گسترده‌گسترش یافت که خود باعث پدید آمدن تفسیر روایی بوده است (علوی مهر، ۱۳۸۴ ش: ص ۱۶۳). با این توضیحات طبیعی به نظر می‌رسد که در تفسیر ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء در جریان اول بیشترین تکیه به روایات ضرب غیر مبرح از پیامبر (ص) و ضرب با مسواک از امام باقر (ع) باشد، اما نظراتی که در این جریان به صورت روایی محض نیستند، ناشی از روش اجتهاد که بعد از غیبت کبری آغاز شد (گرجی، ۱۴۲۹ ق: ص ۱۴۱) می‌باشند. در واقع بعد از غیبت کبری دو گروه محدثین و مجتهدین از فقها و مفسرین وجود داشته‌اند که محدثین ضرب را به صورت روایی و مجتهدین ضرب را به صورت فنی و اجتهادی توضیح داده‌اند.

در جریان دوم ضرب در کلام فقها و مفسرین به تدریج از روایی بودن محض فاصله می‌گیرد و به سمت فنی و تخصصی‌تر شدن حرکت می‌کند؛ چراکه اکثر تفاسیر تحت تأثیر روش اجتهادی که در جریان پیش شکل گرفته بود هستند و مفسران علاوه بر ذکر روایت در تفسیر آیات از اجتهاد خود نیز استفاده می‌کنند. در واقع این جریان و برجسته شدن نظرات شاذ جریان اول در آن، حاصل شروع روش اجتهادی و به کمال رساندن آن توسط فقهای همچون شیخ طوسی و در ادامه فقهای همچون ابن ادریس حلی است؛ چنانکه تأثیر شیخ طوسی بر فقهای متأخر از خود بر هیچ‌کسی از اهل فن پوشیده نیست. لذا اوایل جریان دوم و قرن ششم دوره تقلید از روش اجتهادی شیخ طوسی است و به همین دلیل تحقیقات فقهی در این عصر به تدریج دقیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود و این روش تا اوایل قرن یازدهم و زمان شیخ بهایی (۱۰۳۰ ه.ق) ادامه می‌یابد و سپس در قرن یازدهم و جریان سوم روش اخباریون جایگزین آن می‌شود.

نظرات جریان سوم با دوروش بیان شده‌اند؛ روش اول در آغاز جریان و قرن یازدهم که مصادف با شروع سیطره تفکر اخباریگری است که اینان معتقد بودند منبع استنباط فقه شیعه منحصراً سنت است؛ بنابراین گسترده‌ترین روش تفسیری در این مدت همان روش روایی است. روش اخباریگری عمری در حدود یک قرن داشت و دوام چندانی نیافت. وحید بهبهانی (۱۲۰۵ ه.ق) و شاگردان آن شروع به نقد این روش کردند و دوباره روش اجتهادی اما بسیار قوی‌تر از قبل پا به عرصه

گذاشت؛ بنابراین روش دوم بعد از شکست روش اخباریون، روش اجتهادی است و تاکنون نیز این روش ادامه دارد. ضرب زوجه نیز با روش اجتهادی و استدلالی که به تدریج در جریان دوم شکل گرفته بود، توضیح داده شده است.

در دوران معاصر گرایش‌های تفسیر با توجه به مسائل مورد نیاز جامعه شکل می‌گیرد و تفاسیر رنگ و بوی علمی، سیاسی و اجتماعی به خود می‌گیرند و تفسیر و تأویل قرآن کریم بر اساس این موارد مطرح می‌شود تا پاسخ‌گویی نیازهای زمانه و شبهات باشند (علوی مهر، ۱۳۸۴ ش: ص ۱۸۱)؛ از جمله این نیازها که جامعه از آن پرسش می‌کرده است؛ ضرب زوجه است که با روش اجتهادی در تفاسیر به آن پرداخته شده است. روش دیگر مدنظر برای پاسخ‌گویی به ضرب زوجه روش علمی است که در برخی تفاسیر درمانی برای بیماری مازوشیسم دانسته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۳/ ص ۳۷۲؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵ ش: ج ۲/ ص ۳۵۶).

۵-۲. نوع نگاه به زن در گذر زمان و تأثیر آن بر جریان‌ها

در فرهنگ عرب قبل از پیامبر (ص) که به عصر جاهلی معروف است، زنان در مقایسه با مردان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند، چنانکه بنا به گفته قرآن در سوره نحل آیات ۵۸ و ۵۹ نوزادان دختر خود را زنده به‌گور می‌کردند.

در چنین وضعی زدن زنان توسط شوهر نیز امری دور از ذهن نیست؛ ماجرای کتک خوردن اسماء دختر ابوبکر [خلیفه اول] از معاصران پیامبر (ص)، توسط همسرش زبیر بن عوام (ابن عجبیه، ۱۴۲۴ ق: ج ۱/ ص ۴۹۹)، مؤید این امر است که ضرب زوجه زمان پیامبر (ص) توسط برخی مردان انجام می‌گرفته است. خداوند در قرآن کریم و پیامبر (ص) به دنبال تغییر این وضعیت و ارتقا جایگاه زن بوده است. بدیهی است اصلاح عمل زدن و تنبیه بدنی زنان توسط شوهر تنها با آوردن یک آیه امکان‌پذیر نبوده است و ابتدا نیازمند تغییر نگرش به زن است، به این منظور خداوند آیاتی خصوصاً در سوره نساء درباره‌ی زنان و حقوق آن‌ها نازل کرده است. هم‌چنین در جای‌جای قرآن کریم سعی در بیان برابری ارزش زن و مرد داشته است. در این دوره پیامبر (ص) به عنوان عالم به وحی و تبیین‌کننده آن سعی در توضیح و تفسیر آیات داشته‌اند. ایشان در چند حدیث از ضرب زنان نهی کرده‌اند که در کتاب مستدرک الوسائل آمده است (محدث نوری، ۱۳۶۸ ش: ج ۱۴/ ص ۲۵۰). با این توضیح باید گفت چگونه می‌شود یک فرد مسلمان که تربیت‌یافته مکتب پیامبر (ص) است و تلاش‌های ایشان و قرآن را در جهت ارتقاء جایگاه زنان را می‌بیند؛ اما منظور خداوند از ضرب در آیه را متوجه



نشود و ضرب شدید را برای همسر ناشزه خود یا دیگران تجویز نماید؟ چنانکه شاهد تجویز هیچ مسلمان و فقیهی نیز نیستیم.

امامان معصوم نیز هر کدام به نوبه خود سعی در ارتقاء جایگاه زن و زدودن افکار و فرهنگ‌های جاهلی داشتند که سیره به جای مانده از ایشان گویای این مطلب است. ضرب زوجه ارتباط مستقیمی با نوع نگاه مردم جامعه به زن دارد، چراکه اگر وضعیت زنان مانند عصر جاهلی نگاهی با تحقیر و نابرابری نسبت به مردان باشد خشونت علیه آنان رواج می‌یابد، اما در جامعه‌ای مانند جامعه عصر پیامبر (ص) و بعد از آن و میزان احترامی که پیامبر (ص) و معصومین (ع) به زنان می‌گذارند؛ باعث می‌شود نگاه به ضرب زوجه به مقدار قابل توجهی تعدیل یابد (مانند ضرب غیرمبرح) و حتی نشوز با راهکاری به جز ضرب درمان شود.

در دوره حکومت‌های بعد از اسلام وضعیت زندگی مسلمانان و نوع نگاه آنان به زن در جایگاه نسبتاً خوبی قرار داشت و زنان تحت سایه تعالیم اسلام از وضعیت مناسبی برخوردار بودند. برای نمونه؛ حاکمان ترک، پیش از آمدن به ایران چادرنشینی بودند که به کار دامپروری مشغول بودند و در میان آن‌ها نقش زن در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان همکار مرد مشخص شده و امور دوشیدن شیر، ساختن لبنیات و... به عهده زنان بود. از این رو در جامعه شبانی، زنان و دختران موقعیت نسبتاً ممتازی داشتند و به جهت نقش مؤثر در امر تولید از احترام افراد قبیله برخوردار بودند. این جایگاه خصوصاً در زمان ترکان مغولی با گرویدن آنان به اسلام و آشنایی آن‌ها با احکام و دستورات اسلامی، بسیار بهبود یافت (زواره‌ای، ۱۳۸۱ش: صص ۴۶-۶۲).

آنچه در جریان سوم دارای اهمیت است تغییر اوضاع جهان به سبب تغییرات جهان غرب و به تبع یکی از این تغییرات وضعیت زنان است که در ایران نیز خصوصاً از زمان قاجار به بعد قابل مشاهده است. در دوره پهلوی اول برنامه‌هایی که در جهت ترقی زنان اجرا می‌شد، با اهداف سیاسی و ضد مذهبی بودند، مانند طرح کشف حجاب. در دوران پهلوی دوم برنامه‌هایی در کشور به اجرا گذاشته شد که به تقلید از غرب بود (زواره‌ای، ۱۳۸۱ش: ص ۶۶)؛ اما این امر نتوانست زمینه‌های دست‌یابی به دادگستری فراگیر در جامعه شود و در نتیجه مردسالاری ادامه یافت و زن ایرانی از به دست آوردن نقشی تعیین‌کننده در جامعه ایران، محروم ماند (رهبر، ۱۳۸۲ش: ص ۴۵). آنچه اکنون در حکومت جمهوری اسلامی قابل مشاهده است، وجود زنانی تحصیل‌کرده با درجات تحصیلی عالی و پا به پای مردان است. هم‌چنین امروزه نسبت بسیار بالایی مشارکت زنان در جامعه و

حتی امور مدیریتی کشور محسوس است که همگی نشان از ارتقاء جایگاه زنان در جامعه و خانواده ایرانی دارد. منزلت و مقام و ارزش زن در زمان حکومت جمهوری اسلامی در کلام بنیان‌گذار آن به خوبی قابل مشاهده است، ایشان می‌فرمایند: «آن ارزشی که امروز در کشورهای اسلامی و خصوصاً در کشور ایران پیدا شده است این است که در رژیم سابق شأن و مرتبت عبارت از آرایش مهووع و لباس‌های کذا و منزلگاه‌های کذا بود و امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است.» (خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۴/ ص ۱۹۸).

در نتیجه چنین عواملی که نگاه به زنان دچار تغییراتی شده، نظرات در مورد ضرب از ضرب غیرمبرح فاصله گرفته و رفته رفته به نظراتی مانند؛ ضرب تادیبی و ضرب برای اصلاح تبدیل می‌شود و سپس در دوره معاصر به نظراتی مانند ضرب به معنای اعراض و دوری از خانه و حتی نظریه نسخ تدریجی آیه می‌رسد.

۵-۳. تحلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و تأثیر آن بر جریان‌ها

دانستیم تفسیر ضرب با مسواک از امام باقر و امام رضا (ع) به ما رسیده است. با بررسی شرایط دوران این دو بزرگوار مشخص می‌شود که در آن زمان آزادی بیشتری برای تفسیر و بیان روح دین وجود داشته است. به این بیان که به علت فشارهایی که از طرف دستگاه‌های خلافت بر امامان و به طور کلی بر شیعیان وارد می‌شد چندان مجال برای نشر معارف اسلامی و تدوین احادیث وارده از پیغمبر و امامان از ناحیه شیعه وجود نداشت، اما در زمان صادقین (ع) بلکه تا حدودی هم در زمان امام رضا (ع) به علت فراغت و آزادی بیشتری که این بزرگواران و یاران ایشان به علت گرفتاری‌ها و درگیری‌هایی که خلفا با هم داشتند مجال بیشتری برای نشر معارف اسلامی پیدا کردند (گرگی، ۱۴۲۹ق: ص ۱۱۹).

پس از غیبت امام زمان (عج)، دوره محدثان از حدود غیبت کبری تا نیمه اول قرن پنجم را در برمی‌گیرد. کتب حدیثی که در این دوره تألیف شده، اصول منابع فقه شیعه امامیه را تشکیل می‌دهد. بدون شک حکومت شیعی مذهب آل بویه در این عصر در پیدایش و رشد این دوره تأثیر بسزایی داشته است (گرگی، ۱۴۲۹ق: ص ۱۲۸). از جمله کتب حدیثی که به ضرب زوجه پرداخته، من لایحضره الفقیه (قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۵، ص ۲۱۴) می‌باشد.

در قرن چهارم احادیث و سخنانی که از پیامبر (ص)، امامان معصوم (ع) و صحابه رسیده بود؛ جمع‌آوری و تدوین شد (علوی مهر، ۱۳۸۴ش: ص ۱۷۰). از جمله نوشتارهای این دوران که به تفسیر ساده ضرب پرداخته تفسیر القمی (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱/ ص ۱۳۷) می‌باشد.



مقارن با دوره محدثان یعنی از آغاز غیبت کبری تا یک قرن و نیم بعد عده‌ای از فقها نیز اجتهاد را آغاز کردند (گرجی، ۱۴۲۹ق: ص ۱۴۰). از جمله تفاسیر که در این دوره به ضرب زوجه پرداخته است؛ تفسیر تبیان شیخ طوسی است که زدن را با چوب مسواک و غیرمبرج یعنی غیرشدید می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳/ ص ۱۹۱). کتاب دیگری که در این دوران به ضرب زوجه پرداخته و در این دوران کامل‌ترین توضیح را برای ضرب ارائه کرده و نظراتی مانند عدم خون‌ریزی، خودداری از زدن به صورت را ارائه داده که در دوره‌های بعد مورد توجه قرار می‌گیرند؛ کتاب المذهب (طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۲/ ص ۲۶۴) است.

تداوم تحلیل و اجتهاد در تفاسیر و تنوع نگارش تفسیر با رویکردهای مختلف از جمله ویژگی‌های این قرون است. از قرن هفتم به بعد شیعه تفاسیر کمتری ارائه داده و لذا در خصوص ضرب زوجه نیز تفاسیر کمی داریم. شاید مهم‌ترین علت آن، اوضاع نابسامان سیاسی خصوصاً تاخت و تاز مغول‌ها در سده هفتم هجری باشد. در این زمان بزرگ‌ترین حادثه، یعنی سقوط بغداد بزرگ‌ترین شهر مسلمانان رخ داد و این حادثه بر توسعه و نشر فرهنگ قرآنی تأثیر منفی داشته است؛ اما بیشتر به علم فقه توجه شده و اهتمام دانشمندان به فقه و فقاہت و تدوین کتب فقهی ارزنده بوده است. در همین زمان کتاب‌های فقهی ارزشمندی که تاکنون از مهم‌ترین کتب فقهی به شمار می‌روند، به چشم می‌خورد (علوی مهر، ۱۳۸۴ش: ص ۲۶۷) و لذا نظرات در مورد ضرب در این دوران بیشتر فقهی و اجتهادی هستند. سقوط بغداد باعث شد بسیاری از بزرگان این عصر از حله برخیزند و این شاید بدان جهت بود که گروهی از اهل حله برای گرفتن امان نزد هلاکو، فرمانده لشکریان مغول رفتند، لذا در سایه این امان، جلسات بحث و تدریس کلام و فقه دایر شد (گرجی، ۱۴۲۹ق: صص ۲۲۸، ۲۲۷). از جمله علمای این شهر که در ضرب زوجه نظراتی مثل؛ داشتن ضمان، مجروح نکردن و عدم خونریزی را ارائه داده‌اند که زمینه توضیحات دقیق‌تری بعد از آن‌ها می‌شود، می‌توان به علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۳/ ص ۵۹۶)، فخرالمحققین (حلی، ۱۳۷۸ش: ج ۳/ ص ۲۵۶) و فاضل مقداد (سیوری حلی، ۱۳۷۳ش: ج ۲/ ص ۲۱۲) اشاره نمود.

در اواخر جریان دوم اوایل قرن دهم اتفاق بسیار مهمی در تاریخ ایران روی داد؛ این واقعه ظهور حکومت شیعه مذهب صفویان بود. مقدس اردبیلی از علمای این دوران در معنای غیر مبرج به آسیب نرساندن به زوجه تأکید دارد (اردبیلی، ۱۳۷۸ش: ص ۳۵۷)، هم‌چنین شیخ بهایی از معاصرین او و شیخ الاسلام

حکومت صفوی، ضمان زوج در صورت وارد آمدن خسارتی را تأکید می‌کند (عاملی و ساوچی، بی‌تا، ص ۲۳۹). توجه حکومت صفوی به شیعه به تدریج زمینه طرح نظرات گسترده و به تعداد زیاد در مورد ضرب زوجه در جریان سوم را آماده می‌کند. هم‌چنین نظر شهید ثانی که قصد از ضرب نباید انتقام باشد (عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱/ ص ۳۵۹) نیز زمینه ورود تدریجی نظرات به جریان سوم را فراهم می‌کند. بعد از نهضت اخباریون، به تدریج اجتهاد توسط وحید بهبهانی (۱۲۰۵ ه.ق) و شاگردشان شیخ انصاری (۱۲۸۱ ه.ق) به بالاترین درجه کمال خود رهنمون شد؛ لذا بعد از ایشان شاهد کتاب‌های اجتهادی و استدلالی در فقه هستیم و نظرات اجتهادی استدلالی، ضرب برای تأدیب و تاکید به عدم انتقام در ضرب توسط مرد در نظرات فقها و مفسرین یافت می‌شود. در قرن چهاردهم پیشرفت علوم تجربی، صنایع، وجود بحران‌های معنوی به دلیل دوری از دین، حضور دانشمندان مادی و تهاجم گسترده استعمارگران علیه مسلمانان را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی عصر حاضر برشمرد. وجود چنین خصوصیتی در این عصر اقتضانات خاص خود را به دنبال دارد و در تمام عرصه‌ها به ویژه تفسیر اثر می‌گذارد. بر این اساس در این قرن درخواست از دین به ویژه قرآن کریم برای پاسخگویی به نیازمندی‌های بشر و جامعه توسط دین‌داران افزایش پیدا می‌کند و به همین علت تفاسیر به مسائلی نظیر مسائل اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی مبتلابه جامعه می‌پردازند (علوی مهر، ۱۳۸۴ش: صص ۳۲۸ و ۳۲۹). لذا در این دوران شاهد پررنگ‌تر شدن ضرب زوجه در تفاسیر هستیم چراکه ضرب زوجه نیز از مسائل مبتلابه جامعه است و از سؤالات مهمی است که دین‌داران یا غیر آنان پرسش می‌کنند. برای مثال نویسنده تفسیر الفرقان ضرب برای انتقام، آزاده ساختن و زخمی کردن را منتفی می‌داند چراکه چنین عملی فرد را از ادب انسانی خارج می‌کند بلکه ضرب برای تأدیب است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸ش: ج ۱/ ص ۱۷۵). نویسنده تفسیر کاشف نیز هدف از ضرب را تأدیب می‌داند که عاملی بازدارنده برای زنانی است که مشکل نشوز آن‌ها جز با زدن حل نمی‌شود؛ درواقع از نظر ایشان ابتدا باید تمام راهکارها برای رفع نشوز را انجام داد و در صورت عدم حصول نتیجه ضرب تادیبی را برگزید (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۲/ ص ۳۱۷). دیگر علما نیز با پیروی از تفسیر عصری و استفاده از پویایی فقه برای نیازهای روز و هم‌چنین روش اجتهادی، به راه‌ها و سخنان گوناگون سعی در پاسخگویی به شبهه ضرب زوجه ناشزه داشته‌اند. هم‌چنین از دیگر دلایل پرداختن به ضرب زوجه در دوره معاصر پیروزی انقلاب اسلامی بود؛ بنیان‌گذار این حکومت فقیهی



وارسته و خود صاحب آثار فقهی فراوانی است. ایشان در کتاب تحریر الوسیله در توضیح ضرب زوجه با بیان اجتهادی و همراه با قیود می‌فرمایند: در صورت اصرار زن به نشوز به اندازه‌ای که امید به برگشتن او باشد؛ زدنش جایز است، بیشتر از آن در صورتی که غرض هم به سبب آن حاصل می‌شود جایز نیست. ایشان زدن را تا حدی می‌دانند که خون نیاورد و شدید هم نباشد به گونه‌ای که در سیاه شدن یا سرخ شدن بدن زوجه تأثیر بکند. و لازم است که زدن به قصد اصلاح او باشد، نه به قصد تشفی و انتقام. (خمینی، ۱۳۸۵ ش: ج ۲/ ص ۳۲۵). در این دوره علما با فراغ بال بیشتری توانستند به تألیف و تحقیق در علوم اسلامی بپردازند. علمای معاصر و خصوصاً مراجع تقلید نیز مانند؛ سیستانی در منهاج الصالحین (سیستانی، ۱۴۱۷ ق: ج ۳/ ص ۱۰۷)، سبحانی تبریزی در کتاب نکاح (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ ق: ج ۲/ ص ۲۰۲) و صافی گلپایگانی در هدایة العباد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۲/ ص ۴۶۳) به ضرب زوجه پرداخته‌اند.

۵-۳-۱. انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر خوانش معنای ضرب

مسئله ضرب در این دوران به صورت یک شبهه مطرح شده است. ممکن است برای خواننده محترم این مسئله پیش آید که چرا جمهوری اسلامی اجازه مطرح شدن چنین مباحثی که شاید به دین نیز ضربه بزند را می‌دهد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت این حکومت بر پایه دین اسلام و مذهب تشیع است و قوانین آن مطابق با شرع است. لذا در این مورد نیز باید بر مبنای اسلام حرکت کند. اسلام دینی است که به پیروان خود آزادی بیان و شجاعت پرشش و شنیدن سخنان مختلف را می‌دهد. در آیه ۱۲۵ سوره نحل یکی از راه‌های دعوت به راه خداوند را مجادله و بحث نیکو می‌داند و چنین امری ممکن نیست جز در سایه آزادی بیان و اندیشه. اساساً اسلام دینی حق است و از شبهه و سؤال هراسی ندارد. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «اساساً دینی که منطقی بر اساس فکر و عقل است، بر اساس حساب است، بر اساس فلسفه است، بر اساس یک سری مصالح است، در این جهت نگرانی ندارد. روی همین حساب از صدر اسلام تاکنون آن آزادی تفکری که اسلام به مسلمین و به ملل دیگر درباره‌ی اسلام داده، هیچ ملت دیگری نداده است و این از افتخارات اسلام است.» (مطهری، ۱۳۸۴ ش: ص ۱۳۶). حکومتی نیز که بر اساس چنین دینی بنا شود به مردم خود آزادی بیان می‌دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی بیان را به رسمیت شناخته و در اصول دوم، سوم، هشتم، نهم، بیست و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به آن اشاره کرده است. بر این اساس طبیعی به



دوره چهارم
شماره دوم
پیاپی: ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۴

نظر می‌رسد عده‌ای در مورد ضرب زوجه پرسش کنند و گفتمان ضرب به شکل پرننگ‌تر از گذشته با نظرات مختلف شکل بگیرد.

هم‌چنین قوانین جمهوری اسلامی می‌تواند تعدیل‌کننده ضرب زوجه باشد چرا که یکی از فلسفه‌های قانون اثر بازدارندگی آن است. این قوانین برگرفته از شرع و فقه است؛ چنانکه دانستیم هیچ یک از فقها ضرب شدید را جایز ندانسته‌اند و در صورت وارد آمدن جنایتی بر زوجه دیه و غرامت آن جنایت را واجب دانسته‌اند. بر این اساس در مواد ۳۸۶ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این امر اشاره شده است. درباره مجازات کتک زدن زن ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی با بیان مواردی کلی، عسر و حرج زن را دلیل مستحکمی مبنی بر اثبات حق طلاق وی دانسته است؛ سپس در بند چهارم به ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر مرد که با توجه به وضعیت زوج قابل تحمل نباشد به عنوان یکی از مصادیق عسر و حرج اشاره می‌کند با توجه به قانون در صورت نشوز زن مرد حق اعمال هیچ خشونت را ندارد و مطابق با ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی تنها می‌تواند نفقه را ترک کند. توجه به شخصیت و حقوق زنان و منع از خشونت علیه آن در اصول بیست و بیست و یکم و بیست و دوم قانون اساسی نیز مشاهده می‌شود.

۵-۳-۲. جنبش فمینیسم لایه پنهان جریان سوم

در جریان سوم عده‌ای از ضرب زوجه سؤال یا شبهه می‌کنند. یک گروه از این افراد، طرفداران جنبش فمینیست هستند. فمینیست‌ها بر این باورند که جوامع دیدگاه مردان را در اولویت قرار می‌دهند و با زنان در این جوامع به صورت منصفانه‌ای رفتار نمی‌شود. جنبش فمینیسم از قرن نوزده آغاز می‌شود و رفته‌رفته قدرت می‌گیرد.

این گروه در ایران نیز طرفدار پیدا کردند و بعد از انقلاب مشروطه برای احقاق حقوق زنان و تغییر وضعیت آن‌ها تلاش کردند و حتی به انتشار نشریه‌هایی نیز دست زدند؛ مانند مجله جمعیت نسوان وطنخواه یا زبان زنان در اصفهان، ماهنامه عالم نسوان و نسوان شرق در تهران، ماهنامه دختران ایران در شیراز و تهران و دیگر نشریات (رهبر، ۱۳۸۲ش: ص ۴۴).

در زمینه تفسیر اجتماعی قرآن که به آن اشاره شد جنبش فمینیسم یکی از عوامل مؤثر بر این نوع تفسیر می‌باشد و خود باعث گرایش فمینیستی در تفسیر قرآن شده که اصول این گرایش شامل؛ پرهیز از تحمیل عقیده مردسالاری، اصل عدم تضاد میان بخش‌های مختلف قرآن و اصول بنیادین آن مثل برابری جنسیتی است که این اصول باعث مواردی چون اتهام به تفسیر مردسالارانه قرآن شده



است (کریمی بنادکوکوی و هدایت زاده، ۱۳۹۴ش). این جنبش باعث قرائت زن گرایانه در تفسیر قرآن نیز شده است و معتقد است پس از رسول خدا، قرآن دستخوش تمایلات مردسالارانه مفسران شده است و می‌توان مسائل زنان را به‌گونه‌ای دیگر در قرآن تبیین نمود (پارسا، ۱۳۹۴ش: ص ۵).

بر این اساس تأثیر جنبش فمینیسم در ضرب زوجه مشهود است. این گروه به مانند دیگران ضرب شدید زوجه را محکوم و در مورد آیه ضرب نیز سؤال یا شبهه می‌کنند. چنانکه بیان شد فقها و مفسرین معاصر نیز سعی در پاسخگویی به سؤالات و شبهات پیرامون ضرب داشته‌اند. مسلمانان طرفدار حقوق زنان و جنبش فمینیسم نیز سعی بر ترجمه آیه ضرب به شکل مطبوع برای خواننده و مسلمانان معاصر کرده‌اند (مقجی، ۱۳۹۶ش).

نتیجه‌گیری

ضرب زوجه به عنوان یک مسئله از همان ابتدای تاریخ اسلام مدنظر بوده و به آن در کلام فقها و مفسران پرداخته شده است. در دوره‌های اولیه نظرات بر پایه احادیث است؛ اما رفته‌رفته نظرات استدلالی‌تر می‌شود گویا ضرب زوجه اهمیت بیشتری در کلام آن‌ها پیدا می‌کند و ابعاد کلمه ضرب موشکافی بیشتری می‌شود. از مقایسه جریان‌ها می‌توان متوجه شباهت و تفاوت‌های آن‌ها و فهم تغییرات نظرات شد؛

عمده شباهت جریان‌ها ضرب با مساواک و ضرب غیر مبرح است که در همه ادوار تاریخی در کلام فقها و مفسرین تکرار شده است.

تفاوت جریان‌ها شامل؛ ۱. نظرات نادری از جمله ضرب در هنگام اصرار بر نشوز است که در دوره متقدم وجود داشته‌اند اما قول متفق در دوره‌های بعد شده‌اند. ۲. نظراتی که از یک تاریخ به بعد به آن توجه می‌شود و تا قبل از آن سابقه‌ای در نوشته‌ها ندارند. مثل؛ واجب شدن غرامت و ضمان در صورت پدید آمدن تلفی از ضرب است که اولین بار علامه حلی به آن اشاره می‌کند.

۳. بیان نظرات جدیدی در دوره معاصر مثل ضرب درمانی برای مازوشیسم، ضرب برای تربیت، نسخ تدریجی آیه ۳۴ سوره نساء، سفر کردن و دوری از خانه، ضرب به معنای اعراض و بی‌اعتنایی و ضرب به معنای تغییر روش و برخورد است که این نظرات در هیچ دوره‌ای یافت نمی‌شود.

در یک دسته بندی می‌توان نظرات در مورد ضرب را به سه جریان تقسیم نمود؛ ۱. جریان نص‌گرایی از صدر اسلام تا قرن ششم؛ در این جریان نظرات روایی

هستند و هنوز ضرب زوجه دارای قیود نشده و پیرامون دو نظر ضرب غیرمبرح و ضرب با مسواک است.

۲. جریان تبیین‌گرایی از قرن ششم به بعد تا اواخر قرن دهم و دوره متأخرین: در این جریان ضرب زوجه تحت تاثیر شرایطی مثل؛ روش اجتهادی فقها و هم‌چنین تغییر نوع نگاه به زن با قیود ضمان و دیه داشتن، آسیب نرساندن به زوجه و ضرب در هنگام اصرار بر نشوز محدود شده است.

۳. جریان تأویل‌گرایی از قرن یازدهم تا اکنون: در این جریان نظرات ضرب تحت تاثیر شرایطی مثل؛ روش اخباریگری و سپس روش اجتهادی و به کمال رسیدن آن و پیشرفت علوم و درخواست از دین برای پاسخگویی به شبهات، شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی و جنبش فمینیسم، با قیود ضرب برای اصلاح و ضرب برای تادیب محدود شده و همچنین نظرات و معانی جدیدی برای ضرب مانند؛ درمانی برای مازوشیسم، ضرب به معنای اعراض و تغییر روش برخورد با زن پدید آمده است.

در واقع می‌توان گفت شرایطی مثل؛ روش‌های فقهی و تفسیری که از جمله آن‌ها می‌توان به روش‌های روایی، اجتهادی و اخباریگری اشاره نمود، نوع نگاه جامعه به زن و تکریم و بزرگداشت او و حوادث تاریخی دوره‌های فقه و تفسیر از جمله؛ مجال امام باقر و امام رضا(ع) برای تفسیر قرآن و نشر عقائد، ظهور مغولان و سقوط بغداد، ظهور حکومت شیعه صفوی، پیشرفت علوم در قرن چهاردهم هجری و درخواست از دین برای پاسخگویی به سؤالات بشر، ظهور حکومت جمهوری اسلامی و پیدایش جنبش فمینیسم نیز بر نظرات ضرب تأثیر گذاشته است و باعث کامل‌تر شدن نظرات در طول تاریخ با اضافه شدن قیود به ضرب شده است.

در هر صورت روش اجتهادی سنتی اگر محور برداشت علمی از آیات الاحکام باشد اضافه شدن برخی قیود اگر در راستای توضیح بیشتر و یا از ملازمات یا لوازم آن و یا کشف برخی حکمتها و حتی علتها (در صورت قطع) باشد مانعی ندارد و بلکه در راستای دعوت اسلام به تدبر و تعقل و رسیدن به برخی بطون حقایق قرآن است. همچنین در مواردی که جنبه‌های کشف حکمت دارد و یا مطالعات تجربی به نکاتی اشاره می‌کند که در تبیین با برداشت روش اجتهادی سنتی نیست با بیان عبارت‌های «احتمالا»، «ممکن است» و مانند آن از جزمی‌گویی دوری شود؛ چراکه ممکن است با دقت بیشتر جوانب دقیق تری کشف شود که لطمه‌ای به برداشت‌های قبل نزند.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق): *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۲. ابن عجبیه، احمد (۱۴۲۴ق): *البحر المديد في تفسير القرآن المجيد* (ج ۱). قاهره: حسن عباس زکی.
۳. اردبیلی، مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۸ش): *زبدة البيان في أحكام القرآن*. تهران: مکتبه المرتضوية.
۴. بستان، حسین و دهقان نژاد، رضا (۱۳۹۶ش): *نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن*. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۸ (۲۸)، ۱۰۰-۷۷.
۵. بصری بحرانی، زین الدین، محمد امین (۱۴۱۳ق): *کلمة التقوی* (ج ۷). قم: سید جواد وداعی.
۶. پارسا، فروغ (۱۳۹۴ش): *قرائت زنگرایانه از قرآن*. پژوهشنامه زنان، (۴)، ۷۱-۵۱.
۷. پورمولو، سید محمد هاشم، و جلالی، حسن (۱۳۹۴ش): *بررسی فقهی تنبیه بدنی زوجه*. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۸ (۱)، ۶۱-۴۵.
۸. ثلاثی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ق): *تفسیر الثمرات البانعة والاحکام الواضحة القاطعة* (ج ۲). صعده: مکتبه التراث الإسلامی.
۹. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم (۱۳۶۲ش): *تفسیر شاهی او آیات الأحکام* (ج ۲). تهران: نوید.
۱۰. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش): *تفسیر کوثر* (ج ۲). قم: موسسه انتشارات هجرت.
۱۱. خزانی ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۰ش): *تحف العقول* (بهراد جعفری، مترجم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۲. حلّی، علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق): *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة* (ط - الحدیث) (ج ۳). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ش): *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد* (ج ۳). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. حیدری، سید کمال (۱۳۹۸ش): *آیا از دیدگاه قرآن می توان زنان را کتک زد؟* وب سایت alhaydari.com
۱۵. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹ش): *جریان شناسی ضد فرهنگ ها*. قم: نشر معارف.
۱۶. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۸ش): *صحیفه امام* (ج ۲۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۷. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۵ش): *تحریر الوسيلة* (ج ۲) (مترجم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۸. رهبر، علی (۱۳۸۲ش): *سیمای زن در پویه تاریخ*. فرهنگ، (۴۸)، ۴۹-۲۱.
۱۹. زواره‌ای، فاطمه (۱۳۸۱ش): *زن در گذرگاه تاریخ ایران*. مددکاری اجتماعی، (۱۱ و ۱۰)، ۶۸-۵۱.
۲۰. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۶ق): *نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء* (ج ۲). قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۲۱. سیوری حلّی، فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳ش): *کنز العرفان فی فقه القرآن* (ج ۲). تهران: مرتضوی.
۲۲. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷ق): *منهاج الصالحین (للسیستانی)* (ج ۳). قم: دفتر آية الله سیستانی.
۲۳. شاهرودی، محمدرضا، و بشارتی، زهرا (۱۳۹۹ش): *بازپژوهی ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء*. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۳ (۱)، ۱۴۴-۱۲۵.



دوره چهارم

شماره دوم

پایانی: ۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

۲۴. شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۸۹ش): جریان شناسی سیاسی فرهنگی ایران؛ قم: اعتدال.
۲۵. شهبایی، محمود خراسانی (۱۴۱۷ق): ادوار فقه شهبایی (ج ۳). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. شببانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق): نهج البيان عن كشف معاني القرآن (ج ۵) قم: نشر الهدای.
۲۷. شیرازی، سید صادق حسینی (۱۴۲۸ق): ألف مسألة في بلاد الغرب. بيروت: دار العلوم مؤسسة الإمامة.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸ش): ترجمان فرقان (ج ۱). قم: شکرانه.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق): هداية العباد (لصافي) قم: دار القرآن الكريم.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): مجمع البيان في تفسير القرآن (ج ۳). تهران: ناصر خسرو.
۳۱. طرابلسی، ابن براج، قاضی عبد العزیز (۱۴۰۶ش): المذهب (ج ۲) قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق): التبيان في تفسير القرآن (ج ۳). بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق): الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشئى كلانتري) (ج ۵). قم: کتابفروشی داوری.
۳۴. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق): مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (ج ۸). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳۵. عاملی، شیخ بهایی، بهاء الدین، محمد بن حسین؛ و ساوچی، نظام بن حسین (بی تا): جامع عباسی و تکمیل آن (محشئى، ط - قدیم). تهران: مؤسسة منشورات الفراهانی.
۳۶. علوی مهر، حسین (۱۳۸۴ش): آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۷. علی جانی، محسن (۱۳۸۹ش): بررسی تطبیقی قوامیت و و تنبیه زنان در تفاسیر فریقین. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ۱(۶)، ۱۴۴-۱۲۱.
۳۸. غروی نائینی، نهله، و مصطفوی فرد، حامد (۱۳۹۳ش): بررسی رویکرد مفسران در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۱(۲)، ۸۶-۵۳.
۳۹. قرآتی، محسن (۱۳۸۸ش): تفسیر نور (ج ۲). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۰. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵ش): تفسیر احسن الحديث (ج ۲). تهران: بنیاد بعثت.
۴۱. قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق): من لا یحضره الفقیه (علی اکبر غفاری، مصحح) (ج ۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش): تفسیر القمی (ج ۱). قم: دار الکتاب.
۴۳. کریمی بنادکوکوی، محمود، و هدایت زاده، محمد صادق (۱۳۹۴ش): اصول گرایش فمینیستی در تفسیر قرآن کریم؛ معرفی و ارزیابی. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۶(۶)، ۷۴-۶۱.
۴۴. گرجی، ابو القاسم (۱۴۲۹ق): تاریخ فقه و فقها در يك جلد. تهران: مؤسسه سمت.
۴۵. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی (۱۴۱۳ق): هداية العباد (للكلبایگانی) (ج ۲). قم: دار القرآن الكريم.
۴۶. لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۱ق): تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - النكاح در يك جلد. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۷. مجلسی، الشیخ محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق): بحار الأنوار (ج ۱۰). بيروت: مؤسسة الوفاء.
۴۸. محدث نوری، میرزا حسین (۱۳۹۸ش): مستدرک الوسائل (ج ۱۴). قم: موسسه آل البيت (ع).
۴۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش): پیرامون جمهوری اسلامی. تهران: صدرا.
۵۰. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ق): شبهات و ردود حول القرآن الكريم. قم: التمهيد.
۵۱. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق): التفسير الكاشف (ج ۲). قم: دار الکتاب الإسلامي.
۵۲. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۵ق): التفسير المبين. قم: دار الکتاب الإسلامي.
۵۳. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق): تفسیر مقاتل بن سلیمان (ج ۱). بيروت: دار إحياء التراث العربي.



۵۴. مقجی، فاطمه (۱۳۹۶ش): نقد و بررسی نظرات فمینیست ها و علمای شیعه در تفسیر اضربوهن. (پایان نامه سطح سه حوزه علمیه منتشر نشده). جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش): تفسیر نمونه (ج ۳). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۶. موسوی بجنوردی، و حسینی، سیده شهناز (۱۳۹۵ش): نشوز زوجه در فقه و حقوق با رویکردی بر آرای امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۸ (۷۰)، ۴۶-۲۷.
۵۷. موسوی رکنی، علی اصغر، و دهقان منشادی، نجمه (۱۳۸۷ش): تنبیه بدنی زوجه از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران. فصلنامه بانوان شیعه، ۵ (۱۶)، ۲۰۶-۱۶۵.
۵۸. موسوی لاری، سید مجتبی (۱۳۹۱ش): نگرشی جدید بر معنای ضرب در قرآن. معارف، (۹۲) ۵۱-۵۰.
۵۹. موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ق): مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (ج ۸). بی جا: دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری.
۶۰. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ق): جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۳۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۱. نکونام، محمدرضا (۱۳۹۱ش): آیه آیه روشنی. تهران: صبح فردا.
۶۲. وجدانی فخر، قدرت الله (۱۴۲۶ق): الجواهر الفخریه فی شرح الروضة البهیة (ج ۱۲). قم: سماء قلم.
۶۳. هاشمی رفسنجانی اکبر (۱۳۸۳ش): فرهنگ قرآن (۳۳ ج). قم: بوستان کتاب قم.
۶۴. یزدان پناه، سید یدالله (۱۳۸۸ش): مبانی و اصول عرفان نظری. قم: موسسه امام خمینی.

Bibliography:

The Holy Qur'an

1. Alavi Mehr, Hossein(1384 SH). Getting to know the history of interpretation and commentators. Qom:World Center of Islamic Sciences.
2. Ali Jani, Mohsen(1389 SH). A comparative study of the quality and punishment of women in the interpretations of Fariqin. Journal of Sciences and Sciences of the Holy Quran, 1(6), 121-144.
3. Amili, SHahid THani, Zain al-Din ibn Ali(1410 AH). Al-Rawdah al-Bahiya fi Sharh al-Lum'a al- Dimashqiyyah (Al-Mahshi Klanter) (Vol. 5). Qom: Furushi Davari book
4. Amili, SHahid THani, Zain al-Din ibn Ali(1413 AH). Masalek Alfham Ela Tangheh SHaryol Islam (vol. 8). Qom: Islamic Knowledge Foundation.
5. Amili, Sheikh Baha'i, Bahauddin, Muhammad bin Hussain. and Sawji, Nizam bin Hussain.Jame Abbasi ItsComplete (stuffed, old). Tehran: Farahani Publications Foundation.
6. Ardabili, Muqaddas Ardabili, Ahmed bin Muhammad(1378 SH). zabadat al-bayan fi 'ahkam alquran. Tehran: Mortazavie Library.
7. Basri Bahrani, Zain al-Din, Muhammad Amin(1413 AH). The word piety (Vol. 7). Qom: Seyyed Javad Wada'i.
8. Boştan, Hossein and Dehghan Nejad, Reza(1396 SH). A new look at violence against women from the perspective of the Qur'an. Journal of Quranic Studies, 8(28) 100-77.
9. Georgi, Abul Qasim(1429 AH). The history of jurisprudence and jurists in one volume. Tehran: Samt Institute.
10. Ghoravi Naini, Nahle, and Mostafavi Fard, Hamed(1393 SH). Examining the commentators' approach in interpreting verse 34 of Surah Nisa. Quran and Hadith Science Research, 11(2), 53-86.
11. Golpaygani, Seyyed Mohammad Reza Mousavi(1413 AH). Hidayat al-Abad (For algolbaygani) (Vol. 2). Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
12. Harrani, Ibn Shuba, Hasan bin Ali(1380 SH). Tohf al-Aqool (Jaafari Behrad, translator). Tehran: Darul Kitab Islamic.
13. Hashemi Rafsanjani Akbar(1383 SH). Culture of the Qur'an (33c). Qom: Qom Book Boştan.
14. Helli, Allama Helli, Hassan bin Yusuf bin Mutahar Asadi (1420 AH). Tahrir al'ahkam alshareiat ealaa mazhhab al'iimamia (modern) (Vol 3). Qom: Imam Sadiq Foundation.
15. Helli, Fakhr al-Muhaqqiqaqiq, Muhammad bin Hassan bin Yusuf(1387 SH). 'iidah alfawayid fi sharh mushkilat alqawaeid (Vol. 3). Qom: Ismailian Institution.
16. Heydari, Seyyed Kamal(1398 SH). Is it possible to beat women from the point of view of the Quran? Alhaydari.com website.
17. Ibn Ajiba, Ahmad(1424 AH). Al-Bahr Al-Madid fi Tafsir Al-Furan al-Majid (Vol. 1). Cairo: Hassan Abbas Zaki.
18. Ibn Hamza Tusi, Muhammad bin Ali bin Hamza(1408 AH). Alvasele ela nell alfazeleh. Qom: Publications of Ayatollah Marashi Najafi Library.
19. Jafari, Yaghoub(1376 SH). Tafsir Kausar (Vol. 2). Qom: Hijrat Publications Institute.
20. Jurjani, Abul-Fath bin Makhdoom(1362SH). Interpretation of Shahi or verses of rulings (Vol. 2). Tehran: Navid.
21. Karimi Benadkoki, Mahmoud, and Hedayatzadeh, Mohammad Sadegh(1394 SH). The principles of feminist tendency in the interpretation of the Holy Quran; Introduction and evaluation. Research Journal of Qur'an Interpretation and Lan-

guage, (6), 74-61.

22. Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi(1378 SH). Imam's book (23c). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.

23. Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi(1392 SH). Tahrir al-Usilah (Vol. 2). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.

24. Khosropanah, Abdul Hossein(1389SH). Flowology of countercultures. Qom: Maarif Publishing.

25. Lankarani, Muhammad Fadel Movahedi(1421 AH). Detail of Sharia in explaining the liberation of the means - marriage. Qom: Athar Imams Jurisprudence Center.

26. Majlesi, Allama Majlesi, Sheikh Muhammad Bagher bin Muhammad Taqi(1403 AH). Bihar Al-Anwar (101C). Beirut: Al-Wafaa Foundation.

27. Makarem Shirazi, Nasser(1371 SH). Interpretation of Nemuneh (Vol. 3). Tehran: Dar al-kutub al'islamiya.

28. Marafet, Muhammad Hadi(1423 AH). Suspicions and responses about the Holy Quran, Qom: Altamhid.

29. Moqji, Fatemeh(1396 SH). Criticism of the opinions of feminists and Shiite scholars in the interpretation of Vazrebuhuna. (Unpublished seminary level three thesis). Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Qom, Iran.

30. Motahari, Morteza(1384 SH). Around the Islamic Republic. Tehran: Sadra.

31. Mousavi Bojnordi, and Hosseini, Sayedah Shahnaz(1395 SH). Disobey of wife in jurisprudence and law with an approach to Imam Khomeini's views. Matin Research Journal, 18(70), 27-46.

32. Mousavi Lari, Seyyed Mojtabi(1391 SH). A new perspective on the meaning of wife beating in the Qur'an. Maaref, (92) 51-50.

33. Mousavi Rukni, Ali Asghar, and Dehghan Manshadi, Najmeh(1387 SH). Corporal punishment of the wife from the perspective of Imamiyyah jurisprudence and the subject law of Iran. Shia Women's Quarterly, 5(16), 206-165

34. Mousavi Sabzwari, Abdul-Ali(1409 AH). mawahib alrahman fi tafsir alquran (Vol. 8). The office of Ayatollah Al-Sabzwari.

35. Mughniyeh, Muhammad Jawad(1424 AH). Altafsir alkashif (Vol 2). Qom: Dar alkitaab.

36. Mughniyeh, Muhammad Jawad(1425 AH). Altafsir almubini. Qom: Dar alkitaab.

37. Muhaddith Nouri, Mirza Hossein (1398 SH). Mustardak al-Wasail (Vol. 14). Qom: Al-Bayt Institute.

38. Muqatil bin Suleiman(1423 AH). Tafsir of Muqatil bin Suleiman (Vol 1). Beirut: Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.

39. Najafi, Sahib al-Jawahar, Muhammad Hassan(1404 AH). Jawaharlal Kalam fi sharh sharayie Alislam (Vol. 31). Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.

40. Nekonam, Mohammad Reza(1391 SH). verse Clarity verse. Tehran: Sobhe farad.

41. Parsa, Forough(1394 SH). Feminist reading of the Quran. Women's Journal, 6(4), 51-71.

42. Pourmola, Seyyed Mohammad Hashem, and Jalali, Hassan(1394 SH). Jurisprudential examination of corporal punishment of wife. Jurisprudence and basics Islamic Law, 48(1), 61-45.

43. Qaraeti, Mohsen(1388 SH). Tafsir Noor (Vol. 2). Tehran: Lessons from Quran Cultural Center.

44. Qomi, Ali Bin Ibrahim(1363 SH). Tafsir alqomi (Vol. 1). Qom: Dar Alkitab.

45. Qomi, SHikh Sadooq, Muhammad bin Ali bin Babawayh (1413 AH). Man La Yahdrah al-Faqih (Ali Akbar Ghafari, corrected) (Vol. 5) Qom: Islamic Publication

Office affiliated The Community of teachers of Qom Seminary.

46. Qureshi Banabi, Ali Akbar(1375 SH). Tafsir of ahsin alhadith (Vol. 2). Tehran: Bonyad besat.
47. Rahbar, Ali(1382 SH). The image of a woman in history. Culture, (48), 21-49.
48. Sadeghi Tahrani, Muhammad(1388 SH). Trajoman of Furqan (Vol. 1). Qom: SHokrane Publications.
49. Safi Golpaygani, Lotfullah (1416 AH). Hidayat al-Abad (For Al-Safi) Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
50. Sevari Helli, fazil miqdad, miqdad bin abdollah(1373SH). kanz aleirfan faa fiqh alquran (Vol. 2). Tehran: Mortazavi.
51. Shabani Saroyi, Ramazan(1389SH). Iran's political and cultural flow; Qom: moderation.
52. Shahabi, Mahmoud Khorasani(1417 AH). Periods of Fiqh Shahabi (3c). Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
53. Shahrودي, Mohammad Reza, and Basharti, Zahra(1399 SH). Researching the beating of women in verse 34 of Surah Nisa. Islamic jurisprudence and fundamentals of law, 53(1), 125-144.
54. Sheibani, Muhammad bin Hassan(1413 AH). Nahj al-Bayan on revealing the meanings of the Qur'an (VOL. 5), Qom: Al-Hadi Publishing.
55. Shirazi, Seyyed Sadiq Hosseini(1428 AH). A thousand issues in the countries of the West. Beirut: Dar al-Uloom - Imamah Foundation.
56. Sištani, Seyyed Ali Hosseini(1417 AH). Minhaj As-Salihin (Sištani) (Vol. 3). Qom: Notebook of Ayatollah Sištani.
57. Sobhani Tabrizi, Jaafar (1416AH). Marriage System in Islamic Sharia (Vol. 2). Qom: Imam Sadiq Foundation.
58. Tabarsi, Fazl bin Hassan(1372 SH). Majma Al-Bayan in Interpretation of the Qur'an (Vol 3). Tehran: Naser Khosrow.
59. Thalayi, Yusuf bin Ahmad(1423AH). Interpretation of ripe fruits and clear and decisive rulings (Vol. 2). Saada: Islamic Heritage Library.
60. Trablosi, Ibn Baraj (1406 AH), Al-Mahzab (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated The community of teachers of Qom seminary.
61. Tusi, Muhammad bin Hassan(1409 AH). Explanation in the interpretation of the Qur'an (Vol 3). Beirut: Dar chya Altarath Alarabi.
62. Wijdani fakhr, Qodart allh(1426 AH). aljawaher alfakhria fi sharh alrawzat albahia (Vol. 12). Qom: Sama qalm.
63. Yazdan Panah, Seyyed Yadullah(1388SH). Basics and principles of theoretical mysticism. Qom: Imam Khomeini Institute.
64. Zavarei, Fatemeh(1381 SH). A woman at the crossroads of Iran's history. Social Work, (10 and 11), 51-68.